

بررسی رویکرد بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی در اندیشه و عمل سیاسی امام خمینی علیه السلام

مرتضی شیرودی*

چکیده

چگونگی بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی توسط امام خمینی علیه السلام سؤال اصلی مقاله حاضر است. روش تحقیق گراند تئوری، روشی جدید در علوم سیاسی است. این روش با یک سؤال آغاز می‌شود و طی مراحل چندگانه، پاسخ سؤال را عرضه می‌کند. نگارنده درصدد است برای اولین بار، رویکرد امام خمینی علیه السلام به سنت و مدرنیسم را بر مبنای یک روش جدید نه به صورت توصیفی بلکه به شکل تبیینی، مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. برآیند کار (یافته)، عرضه یک مدل یا تئوری جدید است که نشان از رویکرد تداوم سنت در صورت و سیرت، در روش امام خمینی علیه السلام دارد. حوزه تحقیق، مجموعه بیانات امام خمینی علیه السلام از سال ۱۳۲۳ تا سال ۱۳۶۸ است که در این حوزه، تنها نمونه‌ای از مفاهیم سنتی و مدرن استفاده شده، مورد مطالعه قرار گرفته است.

واژگان کلیدی

امام خمینی علیه السلام، مفاهیم مدرن، مفاهیم سنتی، گراند تئوری، بومی‌سازی، سنت و مدرنیسم.

dshirody@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۸/۱۲

*. عضو هیئت علمی پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

تاریخ دریافت: ۹۱/۰۶/۱۶

مقدمه

در زبان فارسی «نظریه داده بنیاد»، «نظریه مبنایی»، «نظریه زمینه‌ای»، «تئوری مفهوم‌سازی بنیادی»، «متدولوژی رویش نظریه‌ها» و «نظریه بنیادی»، «تئوری پایه» را برای $GT = Throy$ Grounded به کار می‌برند. به نظر می‌رسد برخی از این معادل‌ها و یا واژه‌های فارسی از نظر لغوی و برخی دیگر از لحاظ مفهومی به گراند تئوری نزدیکند. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۲۱) گراند تئوری، روش تحقیق استقرایی و روش پژوهشی اکتشافی با رویکرد کیفی است که به پژوهشگر امکان می‌دهد در مواردی که امکان تدوین فرضیه وجود ندارد، به جای استفاده از تئوری‌های از پیش تعریف‌شده به تدوین مدل یا تئوری جدید بپردازد. تئوری جدید نه بر مبنای نظر شخصی پژوهشگر، بلکه بر اساس داده‌های گردآوری‌شده از محیط واقعی و در شرایط واقعی تدوین می‌شود. به بیان دیگر، در این روش، محقق با یک تئوری معین، کار پژوهش را آغاز نمی‌کند، بلکه از میان اطلاعات جمع‌آوری‌شده، ساختاری را تشخیص می‌دهد و از آن یک تئوری، استخراج می‌کند و چون اطلاعات مربوط به تئوری، مستقیماً از داده‌ها به دست می‌آید، تئوری تأسیسی به دست آمده، در این داده‌ها ریشه دارد. به بیان دیگر، گراند تئوری روشی برای شناخت پیرامون مورد مطالعه^۱ موضوع و موضوعاتی است که قبلاً درباره آن تحقیق جامعی انجام نشده و یا دانش ما در آن زمینه، محدود است. (محمدپور، ۱۳۸۹: ۵۴)

تعریف مفاهیم

نظریه، «به بیانیه‌های انتزاعی اطلاق می‌شود که بخش قابل ملاحظه‌ای از دانش علمی را خواه در قالب مجموعه‌ای از قوانین به صورت فرایند سببی یا آگزیماتیک شامل می‌شود». گراند در گراند تئوری به معنای تأسیس نظریه مبتنی بر «زمینه‌ای مستند از داده‌های واقعی» است. (مارشال و گرچن، ۱۳۷۷: ۵۹)

گراند تئوری یعنی:

۱. «فرایند ساخت یک نظریه مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته داده‌ها و

1. Case.

تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده به منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون هستند»؛ (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵)

۲. «روشی است که نظریه‌ها، مفاهیم، فرضیه‌ها و قضایا را طی یک فرایند منظم به جای استنتاج از پیش‌فرض‌های قبلی، سایر پژوهش‌ها یا چارچوب‌های نظری موجود، به طور مستقیم از داده‌ها کشف می‌کند»؛ (استربرگ، ۱۳۸۴: ۹۶)

۳. «مجموعه‌ای از شیوه‌ها برای توسعه دادن نظریه استقرایی در مورد یک پدیده است»؛ (همان: ۹۷)

۴. «یک روش عمومی برای تولید تئوری است، تئوری‌ای که بر اساس گردآوری و تحلیل نظام‌مند داده، بنیان نهاده شده است. گراند تئوری در طول تحقیق رشد می‌کند و از رهگذر تعامل مستمر بین گردآوری و تحلیل داده، حاصل می‌شود». (همان: ۹۸)

دکتر فاضلی، بومی شدن^۱ را «ناظر به فرایند طبیعی تعامل ارگانیک بین فرهنگ، زبان، تاریخ و تجربه جامعه با علم» (فاضلی، ۱۳۸۹: ۳۵۵) دانسته است. بومی بودن، «جنبه روش‌شناسانه دارد و ناظر به این امر است که علوم اجتماعی برای اینکه از روایی و اعتبار بیشتری برخوردار شود، باید رویکردی درونی یا امیک داشته باشد». (همان: ۳۵۶) بومی‌گرایی^۲ «نوعی گرایش سیاسی و ایدئولوژیک است. در این گرایش، مسئله بومی، امری سیاسی و مربوط به چگونگی رابطه و نسبت بین غرب و کشورهای غیربومی است». (همان: ۳۵۵) بومی‌سازی^۳ «نوعی سیاست یا خط‌مشی سیاسی است که متأثر از گفتمان‌های مختلف مسئله بومی، سعی در هدایت سازمان‌یافته علم به سوی بهره‌برداری از آن در جامعه معین دارد». (همان: ۳۵۷) «بومی‌نگری یا بوم‌آگاهی، نوعی خودآگاهی بازاندیشانه و انتقادی عالمان و کنشگران علوم اجتماعی به فعالیت‌های حرفه‌ای‌شان در تمام زمینه‌های آموزش، پژوهش و کاربست علم است». (همان: ۳۵۶) دکتر برزگر معادل‌های لاتین مربوط به بومی‌سازی و نظایر آن را به این

1. Indigenization.
2. Nativism.
3. Indigenizing.

صورت به کار برده است: بومی شدن (Indigenization)، بومی‌گرایی (Nativism)، بومی‌سازی (Indigenizing)، داخلی شدن (Domestication)، محلی شدن (Localization)، درون‌گرا شدن (Introspection) و محله‌گرایی (Parochialism). (برزگر، ۱۳۸۹: ۳۵)

Nativism (بومی‌گرایی)	Indigenizing (بومی شدن)
فرایند تکوین طبیعی علم	هدایت سازمان‌یافته علم
نهادمندسازی	بازشناسی نهادها
خودآگاهی بازاندیشانه	برخوردار از نوعی گرایش سیاسی
نتیجه تراحم مفهومی و نظری	دانش بیرون و بینش درون

بومی‌سازی، انطباق الگوها و روش‌های بیرونی توسعه با شرایط درونی جامعه محلی و تواناسازی الگوها و روش‌های بومی به منظور تقویت جریان توسعه است. به بیان دیگر، بومی‌سازی روشی است که دانش غربی را با بینش شرقی می‌آمیزد و می‌کوشد علم بیرونی را با شرایط درونی سازگار کند. این تعریف همان تعریفی است که دکتر برزگر ارائه کرده است: «تغییر مناسب در علوم، مفاهیم و نظریه‌ها به نحوی که به لحاظ منافع، نتایج با مزیت‌ها و مسائل بومی به‌ویژه گزاره‌های دینی، انطباق و سازگاری داشته باشد». (برزگر، ۱۳۹۰: مصاحبه)

مدل نظری

گام‌ها و مراحل گراند تئوری به گونه‌ای مختلف بیان شده است، اما وجه مشترک همه آنها را می‌توان در پنج مرحله خلاصه کرد: (فی، ۱۳۸۳: ۲۴)

۱. مرحله تعیین مسئله‌ها / نیاز یا نیازها / خواسته‌ها خواسته‌ها: این مرحله، مشابه انتقاد (نفی و اثبات موضوع یا موضوعات)، شناسایی مشکل، مسئله‌یابی و تعریف سؤال تحقیق یا انتخاب مورد^۱ در دیگر شیوه‌های تحقیق است. به بیان دیگر، هر پژوهشی و نیز پژوهش حاضر، برخاسته از یک یا چند خواسته است که انگیزه نخستین محقق برای تحقیق

1. Case.

است. فرایند تحقیق مبتنی بر GT هم، با یک سؤال کلی یا اصلی آغاز می‌شود، سؤالی که با فرضیه همراه نیست و با یک یا چند چارچوب نظری، فرضیه آزموده نمی‌شود. مسئله تحقیق، از یک محیط خاص فراهم می‌آید؛ البته به همراه تعیین مسئله، تحدید محیط پژوهش هم روی می‌دهد. تحدید محیط با پاسخ‌گویی به دو سؤال اتفاق می‌افتد: اول. در محیط انتخاب‌شده پژوهش چه رویدادهایی در جریان است؟ دوم. هویت‌ها و بازیگران موضوع پژوهش چه کسانی هستند و چه نقشی دارند؟ (زارعی، احمدی کهنعلی و صفایی، ۱۳۸۷: ۳۳)

۲. مرحله تشکیل پایگاه داده‌ها/ جمع‌آوری اطلاعات: پس از تعیین موضوع و تحدید محیط، مرحله جمع‌آوری داده‌ها به منظور تأسیس پایگاه اطلاعات به مثابه انبارسازی مهمات، صورت می‌گیرد. البته باید به مانند هر مطالعه علمی که هدفش حقیقت‌یابی است، از ابزار یا ابزارهای مناسب استفاده کرد. (منصوریان، ۱۳۸۶: ۶) مناسب بودن ابزارها یا مناسب‌سازی آن به دو عامل محیط و محقق، وابسته است. یک یا چند ابزار، زمانی با مسئله پژوهش تناسب دارد که توانایی جذب و شکار بیشترین، باکیفیت‌ترین و جدیدترین اطلاعات و داده‌های مرتبط با موضوع تحقیق را داشته باشد. ابزارها مختلف هستند، از جمله: مصاحبه با افراد آگاه و یا ارائه پرسش‌نامه به آنان در حوزه مورد نظر و مهم‌تر از آن، اسناد و مدارک. «انتخاب نمونه (جامعه آماری) در این روش (گراندد تئوری) مانند دیگر روش‌های کیفی، کوچک است؛ زیرا کیفیت داده‌ها، مهم است». (فلیک، ۱۳۸۷: ۵۶) به دلیل تأثیر عمده نمونه‌ها بر نظریه در حال تدوین، نمونه‌ها باید با دقت و مطالعه انتخاب شوند. آنچه این مرحله از گراندد تئوری را از روش‌های مشابه متمایز می‌کند، آن است که اطلاعات جمع‌آوری‌شده، ادبیات موضوع را می‌سازند و ابزارهای تحقیق چون در پی اثبات یا نفی فرضیه نیستند، خنثی هستند. گردآوری اطلاعات تا «نقطه اشباع»^۱ ادامه می‌یابد. از نشانه‌هایی که مؤید رسیدن به این نقطه است، روبه‌رو شدن با داده‌های تکراری است.

۳. مرحله کدگذاری، تجزیه، تحلیل تا مفهوم‌سازی: قبل از تحلیل داده‌ها، آن را تحریر می‌کنند و سپس رمزگذاری یا نام نهادن بر حوادث، اندیشه‌ها و رویدادها را آغاز می‌نمایند

1. Saturation Point.

(کدگذاری باز). منظور از کدگذاری در گراند تئوری، اختصاص نزدیک‌ترین مفهوم به کوچک‌ترین جزء داده است. از درون فرایند رمزگذاری، مفاهیم مختلفی پدیدار می‌شوند، سپس مفاهیم مشابه را در کنار هم قرار می‌دهند (کدگذاری محوری) و مفاهیم مرتبط را دسته‌بندی می‌کنند. محقق باید به یاد داشته باشد که یکی از فعالیت‌های مهم او در فرایند تحقیق، شناسایی و دسته‌بندی نکات مشترک در داده‌هاست. کار بعدی، مقایسه مفاهیم است (کدگذاری انتخابی). بدین‌سان، از یک سو، دسته‌بندی‌های قبلی کوچک و بزرگ می‌شوند؛ از سوی دیگر، زمینه‌ها و شرایط پدیدآمدن و نیز پیامدهای آنها ظهور می‌یابد. این نحوه اقدام در گراند تئوری، به منظور مفهوم‌سازی صورت می‌گیرد. در واقع، هدف GT، استخراج مفاهیم، طبقه‌بندی آن و کشف روابط آنها به منظور رسیدن به تئوری جدید است. در این مرحله، پژوهشگر باید آمادگی لازم برای مواجهه با بروز تغییرات و نتایج پیش‌بینی‌نشده در محیط پژوهش و حتی تغییرات در نوع تعامل و رفتار عناصر انسانی را داشته باشد. (دانایی‌فرد، ۱۳۸۴: ۶۳)

نگارنده با مراجعه و مطالعه مجدد به منابع متعدد، اصول روش تحقیق کیفی، نظریه‌مبنایی رویه‌ها و شیوه‌ها، سه مرحله کدگذاری مذکور را در سه مؤلفه مفهوم‌سازی (مرحله تجزیه)، مقوله طبقه‌بندی (مرحله ترکیب) و تعیین خط داستان (مرحله ادغام) خلاصه کرده است. (استراس و کوربین، ۱۳۸۷: ۸۷)

۴. مرحله ارائه راه‌حل یا عرضه تئوری جدید: تدوین نظریه بنیادین در سایه ارتباط بین طبقه‌بندی‌ها و در پی برقراری روابط بین مفاهیم مختلف صورت می‌گیرد؛ از این‌رو، مرحله چهارم، دستاورد طبیعی مراحل گذشته است. با وجود این، تجربه نشان می‌دهد که مرحله چهارم، مرحله مرتبط به مراحل قبل، اما متفاوت از آن است. دست‌کم در این مرحله محقق نیازمند تدبیر، تفکر، چیرگی و خبرگی بیشتری است. در مرحله تدوین نظریه، تصویری روشن از پژوهش برای پژوهشگر وجود دارد. به بیان دیگر، تصویری که پژوهشگر در ذهن دارد، گرچه کلی و همه‌جانبه است، جزئی‌ترین مسائل آن، برای او روشن است. در نتیجه، به همان اندازه که به کلیت موضوع واقف است، به ریزترین امور آن نیز آگاهی دارد. آخرین وظیفه او (گراند تئوریست) این است که آنچه را از این تصویر می‌بیند، برای دیگران به تصویر بکشد؛ زیرا تصویر نهایی نقش‌بسته در ذهنش، می‌تواند به پرسش پژوهش (نحوه مواجهه

امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم چگونه بوده است؟) پاسخ دهد. (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۴)

۵. مرحله آزمون و طرح مسائل جدید: تئوری‌های به‌دست‌آمده بر اساس روش‌های تحقیق متکی بر رویکردهای استقرایی به ویژه روش نظریه‌پردازی GT در مقایسه با سایر روش‌های تحقیق به مراتب به واقعیت نزدیک‌تر است. همچنین این روش، به صورت خاص با شرایط و مقتضیات کشور ما در امر بومی‌سازی تحقیقات، منطبق‌تر است، اما نباید فراموش کرد که نظریه بنیادین، قالبی مشخص برای تجزیه و تحلیل داده‌ها ارائه نمی‌کند و صرفاً به تبیین و توجیه کدگذاری می‌پردازد. (بامداد صوفی، مرادی و سلیمی، ۱۳۸۷: ۶۹) بنابراین، محقق باید تأثیر این موضوع را در نتایج کار خود، به درستی تشخیص دهد و این امر، به‌تنهایی اهمیت و ضرورت آزمون تئوری را گوشزد می‌کند. آزمودن تئوری به‌دست‌آمده از مسائل پس از حصول به آن است. (زارعی، احمدی کهنعلی و صفایی، ۱۳۸۷: ۳۷) به علاوه، پس از عرضه هر نظریه، افق‌های تازه‌ای در برابر نظریه‌پردازان پدید می‌آید که نیازمند پاسخ است. (امیری، ۱۳۸۲: ۲۷) به هر حال، هیچ نظریه‌ای نمی‌تواند ادعای توانمندی کامل برای توضیح حتی در یک عرصه را به میان آورد. در واقع، کار عظیم هر نظریه، عیان‌سازی بخشی از واقعیت‌های ثابت‌شده و باقی‌مانده (مسائل جدید حل‌نشده) یک یا چند پدیده است و بس. نگارنده بر پایه پنج مرحله که اغلب آنها از گراندد تئوری اقتباس شده‌اند، به دنبال پاسخ سؤال و کشف مدل یا نظریه جدید می‌باشد.

بحث و تبیین موضوع

کاربست مراحل پنج‌گانه گراندد تئوری در تبیین مواجهه امام خمینی علیه السلام با مفاهیم مدرن سیاسی، طرحی نو در عرصه علوم سیاسی است. دلیل دیگر نو بودن کاربرد گراندد تئوری در علوم سیاسی این است که برخلاف بیش از ۹۰ درصد چارچوب‌های نظری متداول در حوزه علم سیاست، وجه غربی ندارد.

مرحله اول: تعیین مسئله و خواسته

بر پایه گام نخست نظریه‌مبنایی یا گراندد تئوری، در مرحله اول، به تعیین مسئله‌ها/نیاز یا

نیازها / خواسته‌ها و خواسته‌های خویش می‌پردازیم، بدون آنکه پای فرضیه یا فرضیه‌ها و مفروض یا مفروض‌هایی را به میان آوریم. سؤال (مسئله) و نیاز (خواسته) این است که مواجهه امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم چگونه صورت گرفته است؟ این سؤال و نیاز، پرسش‌ها و خواسته‌های فرعی دیگری را پدید می‌آورد، از جمله:

آیا مواجهه امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم با تأکید بر حفظ اصالت سنت به تحمیل مفاهیم سنتی بر مفاهیم مدرن سیاسی انجامید؟

آیا مواجهه امام خمینی علیه السلام با استدلال به متغایر نبودن مفاهیم مدرن با اسلام، ناظر بر تحمیل معانی مدرن بر مفاهیم سنتی قرار گرفت؟

آیا مواجهه امام خمینی علیه السلام مبتنی بر یکسانی مفاهیم مدرن و سنتی در صورت و شکل و مغایرت آن دو در سیرت و محتوا استوار گشت؟

پاسخ به هر یک از این پرسش‌ها و خواسته‌ها، روش بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی را فراهم می‌آورد که مقدمه بومی‌سازی علوم سیاسی و علوم انسانی است. صرف نظر از تفاوت معنایی موجود بین بومی بودن، بومی شدن، بومی‌گرایی، بومی‌نگری، بومی‌سازی، محلی‌شدن، درون‌گرایی، محله یا ناحیه‌گرایی (برزگر، ۱۳۸۸: ۳۹) و... همه آنها را در قالب معنایی بومی‌سازی قرار می‌دهیم و آن را مولود اوضاع رقت‌بار استعماری و فضای پرمشقت دوران استعمارزدایی پس از جنگ جهانی دوم می‌دانیم. این گرایش یا مکتب، بیانگر واکنش بسیاری از روشنفکران جهان سوم، از آسیای جنوب شرقی تا منطقه کارائیب است که مشتاقند بر استقلال تازه‌یافته خویش، تأکید ورزند. هواداران بومی‌گرایی اصرار دارند به بندگی فکری خود بر غرب پایان دهند و حلقه‌های زنجیر حقارت را که سالیان دراز بر گردن آنها بسته شده بود، بشکنند. (بروجردی، ۱۳۷۸: ۳۰) این بومی‌سازی دارای مختصاتی همچون: ستایش وطن و کشور، توجه به زبان بومی، عنایت به باورهای ملی و دینی، بیگانه‌ستیزی، نقد روشنفکری غرب‌زده، نقد مردم بدون توجه به بیگانه و مهم‌تر از همه، تقابل سنت و مدرنیته به‌ویژه در عرصه علوم انسانی است. از این‌رو، می‌توان بومی‌سازی را منطبق کردن علوم انسانی با بوم و زبان و فرهنگ و آیین جامعه خودی دانست. (همان: ۳۱)

به اعتقاد نگارنده، مواجهه امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم، می‌تواند به فرایند بومی‌سازی مفاهیم و دانش‌ها در عرصه علوم سیاسی به طور خاص و علوم انسانی به طور عام، کمک کند.

مرحله دوم: تشکیل پایگاه داده‌ها

مرحله دوم در نظریه‌سازی گراند تئوری، تشکیل پایگاه داده‌ها یا جمع‌آوری اطلاعات است. گردآوری داده‌ها گام اول در پاسخ دادن به سؤال و سؤالات مطرح‌شده در مرحله پیشین است. در این مرحله، کلمات و عبارات بدون توجه به نوع، جنس و... جمع‌آوری شده‌اند. البته برخی از این واژگان، عیناً نوشته‌ها و گفته‌های امام خمینی علیه السلام و برخی، استنباط نگارنده از تحریرات و گفتارهای ایشان است. مأخذ این جمع‌آوری، یک جامعه آماری کوچک است و آن جامعه، تنها بخشی از مکتوبات و سخنان امام خمینی علیه السلام است. با مرور گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی علیه السلام داده‌ها و اطلاعات زیر به دست می‌آیند.

آزادی‌های فردی	نمایندگان	حزب	مجلس مؤسسان
رسانه‌های گروهی	دموکراسی	حزب ایران نوین	مراجع تقلید
ماه رمضان	ملت	حزب رستاخیز	آیات عظام
مساجد	رأی ملت	قیام‌های مردمی	سلطنت
مجامع اسلامی	مجلس	ظلم	مجلس خبرگان
جوانان غیور اسلامی	منافع ملی	مسلمین	رهبری
قدرت شیطانی	حزب توده	کارشناسان خارجی	شورای نگهبان
وکیل	نهضت اسلامی	موازن بین المللی	اسلام
نغمه‌های شیطانی	غرب	قدرت‌های خارجی	پیشرفت
انتخاب واقعی	وزیر	پارلمان	دنیای غرب
غار تگران بین‌المللی	نخست‌وزیر	مجلس سنا	فساد غرب
کشور	اجتماعات	منتخب ملت	مشروطیت
وکالی ملت	مصالح ملت	رفراندم	رژیم ضد اسلامی

دستگاه جبار	حیثیت	قدرت انسانی	نظام حکومتی
مختار	مربی	قدرت الهی	حکومت اسلامی
استعمار	کرامت	آرای ملت	ولی فقیه
قدرت	هویت حیوانیت	حکم خدا	قانون اسلام
دین	انحطاط اخلاقی	غاصب	متمم قانون اساسی
خارجیان	عفت عمومی	قانون خدایی	مشروطه
دروغ	رضایت	صلاح کشور	قوانین شرعی
آزادی مطلق	واجب	حرام	صلحا
توطئه	استبداد	تکلیف شرعی	آدم‌های صالح
مصلح عالیله اسلام	جور	کفر	جمهوری اسلامی
روشنفکر غرب‌زده	ترقی	اجانب	حقوق همه افراد
روشنفکران	دیکتاتوری	دولت یاغی	قانون اسلام
مشروع	علمای اسلامی	شرع	خدا
تمدن	رژیم	مستمندان	قانون اسلامی
صنعت	تکلیف	فقرا	شورای انقلاب
علم	کمونیست	فعالیت سیاسی	دولت موقت
کمال	سوسیالیست	جنیش تنباکو	همه‌پرسی
غرب‌زدگی	تمایلات نفسانی	سرنوشت خویش	مرجع شیعه
شرق	اختناق	مقدرات اسلامی	مذهبیون
غرب	نظام سیاسی	عدول	مردم
یدالله	مطبوعات	حد	محرومیت‌روبی
عقل	مصلح کشور	مجتهد	نظارت
جهاد	حقوق مردم	حقوق مساوی	دولت
بیگانه	مجلس فرمایشی	انسان‌ساز	مشروعیت
شهادت	قوای مملکت	تربیت انسان	دولت موقت اسلامی

دمکرات	میهن‌خواهی	ضد اسلامی	زبان
جمهوری دمکراتیک	ملیت اسلام	خطبا	تقوا الهی
اسلامی	روضه‌خوانی	جماعت	تبلیغات
دانشگاه	اقلیت نژادی و زبانی	محراب	ملت واحد
وحدت	برنامه	علما	مذاهب اسلامی
طبقات تحصیل کرده	خودمختاری	ائمه جماعت	قومیت
روحانیون	عدالت	منابر	برادر
عمامه	سلطنتی موروثی	اعتراض دسته‌جمعی	طایفه
حوزه	عدالت اجتماعی	تحصن	قبیله
اصلاح	اقلیت‌های مذهبی	تجمع	قانونیت
انقلاب	سندیکاهای کارگری	قرآن	فقیها
حقوق بشر	آرای عمومی	اعتراضات قانونی	بسم الله
عزاداری	استقلال	انسجام	اصحاب صفة
راهپیمایی	وزارتخانه	فضای باز عمومی	طبقه سوم
تاسوعا	انقلاب اسلامی	ارتش ملی	بانک
عاشورا	جمهوری	اقتصاد	ربا
تظاهرات	مشارکت سیاسی	مقدسات	بهره
تعیین سرنوشت	مذهب	شرعیات	بانک‌های اسلامی
صالح	طبقه ضعیف	کارگزاران	قرض الحسنه
مجرم	طبقه توحیدی	اهل علم	فرم اجنبی
محاكمه	حاکمیت ملی	مجلس اسلامی	محتوای طاغوتی
آسمان	بیرونی	شعارهای مردم	شکل توحیدی
زمین	درونی	انتخابات	جنگ با خدا
نور ایمان	اعتصاب	روحانیت	
ملیت یا	اوقاف	نژاد	

آیا این داده‌ها و اطلاعات جمع‌شده، از موارد مشابه و زاید، میراست؟ تشخیص این امر، دشوار و احتمالاً با کم‌دقتی، همراه است. برای افزایش دقت که در پی حذف داده‌های مشترک و تصحیح آنها روی می‌دهد، ناگزیریم به مرحله سوم بپردازیم.

مرحله سوم: کدگذاری یا طبقه‌بندی داده‌ها

هدف در این مرحله، نخست کدگذاری باز داده‌های حاصل از مرحله قبل است. مراد نگارنده از کدگذاری باز در اینجا، ردیف‌سازی یا الفبایی کردن داده‌های گردآمده به منظور حذف داده‌های مشابه و تکراری و یا تصحیح داده‌هاست. این اقدام و نحوه عمل را می‌توان نوعی رمزگذاری دانست که در گراند تئوری مورد تأکید است. البته این مرحله تا کدگذاری محوری یا طبقه‌بندی داده‌ها و کدگذاری انتخابی یا ادغام مفاهیم ادامه می‌یابد.

۱. کدگذاری باز: پس از جمع‌آوری اطلاعات، پژوهشگر می‌تواند به رمزگذاری بپردازد که حاصل آن، دسترسی به دسته‌بندی اولیه از داده‌هاست. کدگذاری باز بر اساس داده‌های استخراج‌شده و منظم (الفبایی) در دستگاه معنایی امام خمینی علیه السلام بدین شرح است: (امام خمینی، ۱۳۷۸؛ امام خمینی، ۱۳۶۱)

آدم‌های صالح	اختناق	قانونی	انحطاط اخلاقی
آرای عمومی	ارتش ملی	اعتصاب	انسان‌ساز
آرای ملت	استبداد	اقتصاد	انسجام
آزادی مطلق	استعمار	اقلیت نژادی و	انقلاب
آزادی‌های	استقلال	زبانی	انقلاب اسلامی
فردی	اسلام	اقلیت‌های	اوقاف
آسمان	اصحاب صفة	مذهبی	اهل علم
آیات عظام	اصلاح	انتخاب واقعی	بانک
ائمه جماعت	اعتراض	انتخابات	بانک‌های
اجانب	دسته‌جمعی	انجمن‌های	اسلامی
اجتماعات	اعتراضات	ایالتی و ولایتی	برادر

برنامه	جمهوری	حیوانیت	رسانه‌های
بسم الله	دمکراتیک	خارجیان	گروهی
بهره	اسلامی	خدا	رضایت
بیرونی	جنبش تنباکو	خطبا	رفراندوم
بیگانه	جنگ با خدا	خودمختاری	روحانیت
پارلمان	جوانان غیور	دانشگاه	رهبری
پیشرفت	اسلامی	دروغ	زبان
تاسوعا	جور	درونی	زمین
تبلیغات	جهاد	دستگاه جبار	سرنوشت
تجمع	حاکمیت ملی	دمکرات	سفارتخانه‌ها
تحصن	حد	دمکراسی	سلطنت
تربیت انسان	حرام	دنیای غرب	سلطنتی موروثی
ترقی	حزب	دولت	سندیکایهای
تظاهرات	حزب ایران	دولت موقت	کارگری
تعیین سرنوشت	نوین	دولت موقت	سوسیالیست
تقوا الهی	حزب توده	اسلامی	شرع
تکلیف	حزب رستاخیز	دولت یاغی	شرعیات
تکلیف شرعی	حقوق بشر	دیکتاتوری	شرق
تمایلات	حقوق مردم	دین	شعارهای مردم
تمدن	حقوق مساوی	راهپیمایی	شکل توحیدی
توطئه	حقوق همه افراد	رأی ملت	شورای انقلاب
جماعت	حکم خدا	ربا	شورای نگهبان
جمهوری	حکومت اسلامی	رژیم	شهادت
جمهوری	حوزه	رژیم	صالح
اسلامی	حیثیت	ضداسلامی	صلاح کشور

صلحا	فرم اجنبی	قیام‌های مردمی	مجلس
صنعت	فساد غرب	کاپیتولاسیون	فرمایشی
ضد اسلامی	فضای باز	کارشناسان	مجلس
طایفه	عمومی	خارجی	مؤسسان
طبقات	فعالیت سیاسی	کارگزاران	محاکمه
تحصیل کرده	فقرا	کرامت	محتوای
طبقه توحیدی	فقها	کشور	طاغوتی
طبقه ضعیف	قانون	کفر	محراب
ظلم	قانون اساسی	کمال	محرومیت‌روبی
عاشورا	قانون اسلام	کمونیست	مختار
عدالت	قانون اسلامی	ماه رمضان	مذاهب اسلامی
عدالت اجتماعی	قانون خدایی	متمم قانون	مذهب
عدول	قانونیت	اساسی مشروطه	مذهبیون
عزاداری	قبیله	مجامع اسلامی	مراجع تقلید
عفت عمومی	قدرت	مجتهد	مربی
عقل	قدرت الهی	مجرم	مرجع شیعه
علم	قدرت انسانی	مجلس	مردم
علما	قدرت شیطانی	مجلس اسلامی	مساجد
علمای اسلامی	قدرت‌های	مجلس خبرگان	مستمندان
عمامه	خارجی	رهبری	مسلمین
غارتگران	قرآن	مجلس خبرگان	مشارکت
بین‌المللی	قرض الحسنه	قانون اساسی	سیاسی
غاصب	قوانین شرعیه	مجلس سنا	مشروطه
غرب	قوای مملکت	مجلس شورای	مشروطیت
غرب‌زدگی	قومیت	ملی	مشروع

مشروعیت	ملیت یا	نظام سیاسی	وکلائی ملت
مصالح عالیه	میهن خواهی	نغمه‌های	وکیل
اسلام	منابر	شیطانی	ولی فقیه
مصالح کشور	منافع ملی	نفسانی	همه‌پرسی
مصونیت	منتخب ملت	نمایندگان	هویت
مطبوعات	موازین	نور ایمان	یدالله
مقدرات اسلامی	بین‌المللی	نهضت اسلامی	
مقدسات	نخست‌وزیر	واجب	
ملت	نژاد	وحدت	
ملت واحد	نظارت	وزارتخانه	
ملیت اسلام	نظام حکومتی	وزیر	

در نگاه اول، واژگان مذکور پراکنده از هم و بی‌ارتباط به هم، به نظر می‌رسند. این داده‌ها بر پایه گراندد تئوری، ادبیات موضوع را شکل می‌دهند و بر مبنای دو عامل محیط و محقق، انتخاب شده‌اند و تا نقطه اشباع ادامه یافته‌اند. در این گام، مفهوم‌سازی و یا تجزیه متن یا جامعه آماری که در اینجا همان گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی علیه السلام است، به پایان آمده است.

۲. کدگذاری محوری: مقوله‌سازی یا طبقه‌بندی واژگان و مفاهیم گام قبل، قدم بعدی تحقیق است. محقق، این مقوله و طبقه را به عنوان محور اساسی کار خویش برمی‌گزیند. محوربندی را می‌توان بر اساس مؤلفه‌های مختلفی همچون سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی، مدنی (مدرن) و شرعی (سنت) صورت داد. نگارنده کدگذاری محوری را بر پایه مدنیت و شرعیت (سنت) انجام می‌دهد:

یک. کدگذاری بر محور مدنیت: برخی از مجموع واژه‌های به‌کاررفته در گفتمان امام خمینی علیه السلام از وجه مدنی برخوردار یا بدان نزدیک است. البته محقق دیگری می‌تواند واژه‌هایی را که نگارنده در سید مدرنیسم قرار داده است، از آن خارج کند؛ به همین علت، نگارنده بر عبارت «یا بدان نزدیک» تأکید کرده است. (امام خمینی، ۱۳۷۱؛ امام خمینی، ۱۳۷۳) به‌هرحال، کدگذاری داده‌های مرحله قبل بر محور مدنیت، به این شکل است:

غرب زده	حزب توده	ایالتی و ولایتی	آرای عمومی
روشنفکران	حزب رستاخیز	انقلاب	آرای ملت
زبان	حقوق بشر	بانک	آزادی مطلق
زمین	حقوق مردم	برنامه	آزادی‌های
سرنوشت	حقوق مساوی	بهره	فردی
خویش	حقوق همه افراد	بیرونی	اجانب
سفارتخانه‌ها	حیوانیت	پارلمان	اجتماعات
سلطنت	خارجیان	پیشرفت	اختناق
سلطنتی موروثی	خودمختاری	تبلیغات	ارتش ملی
سندیکاهای	دانشگاه	تجمع	استبداد
کارگری	دمکرات	تحصن	استعمار
سوسیالیست	دمکراسی	تربیت انسان	اصلاح
شعارهای مردم	دنیای غرب	ترقی	اعتراض دسته
شورای انقلاب	دولت	تظاهرات	جمعی
صلاح کشور	دولت موقت	تعیین سرنوشت	اعتراضات
صنعت	دولت یاغی	تمدن	قانونی
ضد اسلامی	دیکتاتوری	توطئه	اعتصاب
طایفه	راهپیمایی	جمهوری	اقتصاد
طبقات	رأی ملت	جمهوری	اقلیت نژادی و
تحصیل کرده	رژیم	دمکراتی	زبانی
طبقه سوم	رسانه‌های	اسلامی	اقلیت‌های
طبقه ضعیف	گروهی	حاکمیت ملی	مذهبی
عدالت	رضایت	حزب	انتخاب واقعی
عدالت اجتماعی	رفراندوم	حزب ایران	انتخابات
عدول	روشنفکر	نوین	انجمن‌های

عقل	مجلس شورای	موازن
علم	ملی	بین‌المللی
غار تگران	مجلس	نخست‌وزیر
بین‌المللی	فرمایشی	نژاد
غرب	مجلس	نظارت
غرب‌زدگی	مؤسسان	نظام حکومتی
فرم اجنبی	محاومه	نظام سیاسی
فساد غرب	مختار	نمایندگان
فضای باز	مردم	وزارتخانه
عمومی	مشارکت	وکالای ملت
فعالیت سیاسی	سیاسی	وکیل
قانون	مشروطه	همه‌پرسی
قانون اساسی	مشروطیت	هویت
قانونیت	مشروعیت	
قبیله	مصالح کشور	
قدرت	مصالح ملت	
قدرت‌های	مصونیت	
خارجی	مطبوعات	
کارگزاران	ملت	
کشور	ملت واحد	
کمونیست	ملیت یا	
مجرم	میهن‌خواهی	
مجلس	منافع ملی	
مجلس سنا	منتخب ملت	

تعداد کلمات «مدرن» به کاررفته در نوشتار و گفتار امام خمینی ۱۴۶ کلمه است. دو. کدگذاری بر محور شرعیت (سنت): از مجموع مفاهیمی که امام خمینی علیه السلام به کار گرفته، برخی دارای ماهیت سنتی یا نزدیک به آن است. در اینجا، همان مسئله‌ای وجود دارد که محقق (نگارنده) درباره واژه‌های مدرن عرضه کرده است. از این رو، در انتخاب واژه‌های سنتی، واژه‌های نزدیک به آن هم مد نظر بوده است. (امام خمینی، ۱۳۶۸؛ امام خمینی، بی تا) در مجموع، کدگذاری داده‌های مرحله قبل بر محور سنت یا شرعیت، به این شکل است:

آدم‌های صالح	بسم الله	حکم خدا
آسمان	بیگانه	حکومت اسلامی
آیات عظام	پیشرفت	حوزه
ائمه جماعت	تاسوعا	حیثیت
اجانب	تبلیغات	حیوانیت
استعمار	تقوای الهی	خارجیان
استقلال	تکلیف	خدا
اسلام	تکلیف شرعی	خطبا
اصحاب صفة	تمایلات	دروغ
اصلاح	توطئه	درونی
اقلیت‌های مذهبی	جماعت	دولت موقت اسلامی
انسان‌ساز	جمهوری اسلامی	دولت یاغی
انسجام	جنش تنباکو	دین
انقلاب اسلامی	جنگ با خدا	ربا
اوقاف	جوانان غیور اسلامی	رژیم ضد اسلامی
اهل علم	جور	روحانیت
ایمان	جهاد	روحانیون
بانک‌های اسلامی	حد	روشنفکر غرب‌زده
برادر	حرام	شرع

محروریت‌رویی	فقها	شرعیات
مختار	قانون اسلام	شرق
مذاهب اسلامی	قانون اسلامی	شعارهای مردم
مذهب	قانون خدایی	شکل توحیدی
مذهبیون	قبیله	شورای نگهبان
مراجع تقلید	قدرت الهی	شهادت
مربی	قدرت شیطانی	صالح
مرجع شیعه	قرآن	صلحا
مساجد	قرض الحسنه	ضد اسلامی
مستمندان	قوانین شرعیه	طایفه
مسلمین	کرامت	طبقه توحیدی
مشروع	کفر	طبقه سوم
مصالح ملت	کمال	ظلم
مقدرات اسلامی	ماه رمضان	عاشورا
مقدسات	متمم قانون اساسی	عدالت
ملیت اسلام	مشروطه	عدول
منابر	مجامع اسلامی	عزاداری
نفسانی	مجتهد	عفت عمومی
نور	مجرم	علما
نهیضت اسلامی	مجلس اسلامی	علمای اسلام
واجب	مجلس خبرگان رهبری	عمامه
وحدت	مجلس خبرگان قانون	غاصب
وزیر	اساسی	غرب‌زدگی
ولی فقیه	محاكمه	فرم اجنبی
یدالله	محتوای طاغوتی	فقرا
	محراب	

تعداد کلمات مورد استفاده در مقوله «سنت» ۱۴۱ مورد است.
 نمودار کاربست تعداد واژگان و مفاهیم مدرن و سنتی در نوشته‌ها و گفته‌های
 امام خمینی علیه السلام بر اساس کدگذاری محوری «سنت» و «مدرن» به این شرح است:

نام	امام خمینی <small>علیه السلام</small>
مدرن	۱۴۶
سنتی	۱۴۱
جمع	۲۸۷

فراوانی تقریباً یکسان واژگان سنتی و مدرن در مجموع گفته‌ها و نوشته‌های امام خمینی علیه السلام نشان می‌دهد روش بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی ایشان که مقدمه تولید یک دانش سیاسی بومی است و در نهایت، بومی‌سازی علوم انسانی را به ارمغان می‌آورد، مبتنی بر یکسانی مفاهیم مدرن و سنتی است.
 نگارنده در تحقیق مشابهی وضعیت کاربست مفاهیم مدرن و سنتی را در دستگاه معنایی سیدجمال و آیت‌الله نائینی به این شکل استخراج کرده است:

نام	سیدجمال	آیت‌الله نائینی
مدرن	۱۳۴	۱۶۶
سنتی	۲۰۱	۲۰۰
جمع	۳۳۵	۳۶۶

مقایسه کاربست مفاهیم مدرن و سنتی در سه عالم دینی سیدجمال، آیت‌الله نائینی و امام خمینی علیه السلام به این صورت است.

نام	سیدجمال	آیت‌الله نائینی	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	جمع
مدرن	۱۳۴	۱۶۶	۱۴۶	۴۴۵

نام	سیدجمال	آیت‌الله نائینی	امام خمینی <small>علیه السلام</small>	جمع
سنتی	۲۰۱	۲۰۰	۱۴۱	۵۴۲
جمع	۳۳۵	۳۶۶	۲۸۷	۹۸۸

سه. کدگذاری انتخابی: با نگاهی دوباره به آنچه از کدگذاری باز و محوری به دست آمده، می‌توان خط داستان را تشخیص داد. خط داستان، همان رابطه معناداری است که از مقوله‌بندی‌ها یا دسته‌بندی‌های مرحله کدگذاری محوری کشف می‌شود. علاوه بر آن، برقراری ارتباط بین مقوله‌ها و دسته‌بندی‌های پیشین، می‌تواند در قالب یک مدل یا تئوری، عرضه شود. یکی از فعالیت‌های مهم نگارنده در فرایند تحقیق، شناسایی (کدگذاری باز)، دسته‌بندی نکات مشترک در داده‌ها (کدگذاری محوری) و سرانجام مقایسه مفاهیم یا کدگذاری انتخابی است.

کدگذاری انتخابی این امکان را به محقق می‌دهد که بر پایه مؤلفه‌های متعددی همچون قدیم و جدید، کهنه و تازه، گذشته و حال، شرقی و غربی، اسلامی و مسیحی، معاصر و غیرمعاصر، پیشینی و پسینی، ایرانی و اجنبی، زمینی و آسمانی، دینی و نادینی، بومی و غیربومی، مدرن و سنتی و... به مقایسه مفاهیم پردازد که انتخاب معیار و ملاک مدرن و سنت به دلیل کانونی بودن آن در این مقاله، موجه‌تر به نظر می‌رسد. با توجه به نسبت ۲۰۱، ۲۰۰ و ۱۴۱ (مفاهیم سنتی) به ۱۳۴، ۱۶۶ و ۱۴۶ (مفاهیم مدرن)، خط داستان به این صورت است:



اولاً: تقابل بین مفاهیم مدرن و سنتی در گفتمان سیدجمال و آیت‌الله نائینی جاری بود، اما در مورد امام خمینی علیه السلام ظاهراً بین مفاهیم مدرن و مفاهیم سنتی تعامل در جریان بود. ثانیاً: این جدال در اولی (سیدجمال) به نفع مفاهیم سنتی و در دومی (آیت‌الله نائینی) به

نفع مفاهیم مدرن پایان پذیرفت و در مورد امام خمینی علیه السلام یکسانی بین مفاهیم مدرن و مفاهیم سنتی به چشم می‌خورد.

بنابراین، گراند تئوری از این قابلیت برخوردار است که سه مرحله نخست آن را می‌توان به عنوان بحث و تبیین موضوع به کار برد و دو مرحله دیگر را به مثابه یافته‌ها و نتیجه‌گیری برشمرد.

مرحله چهارم: ارائه راه‌حل یا عرضه مدل یا تئوری جدید

مرحله نهایی در گراند تئوری، مدل‌سازی یا تئوری‌پردازی است. نتیجه مراحل قبلی که در پی تلاش برای پاسخ به سؤال اصلی و سؤالات فرعی مطرح شد، مبتنی بر کاربست یکسان مفاهیم مدرن و سنتی بدون تفاوت در صورت و سیرت آنها در دستگاه معنایی امام خمینی علیه السلام است. به نظر می‌رسد، کار گراند تئوری در ارائه مدل یا نظریه در این مقاله و درباره موضوع مواجهه امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم به پایان آمده است، اما نتیجه کار گراند تئوری امری مبهم یا کلی نیست. به هر روی، نتیجه گفته‌شده (کاربست یکسان مفاهیم مدرن و قدیم توسط امام خمینی علیه السلام بدون تفاوت در صورت و سیرت آنها) ممکن است این تردید یا سؤال را مطرح کند که ایشان تفاوتی در به‌کارگیری مفاهیم قدیم و جدید قائل نشده است؟ چنین تردید یا سؤالی می‌تواند تبعات منفی فراوانی به همراه داشته باشد و باعث تشویش اذهان نسبت به اندیشه‌ها و رفتارهای سیاسی ایشان شود و ما را از هدف به‌کارگیری گراند تئوری در این مقاله در بررسی مواجهه امام خمینی علیه السلام با سنت و مدرنیسم، دور کند. در رفع این تردید و ارائه پاسخ به سؤال مورد اشاره، ضرورت دارد به کالبدشکافی سنت بپردازیم.

علامه طباطبایی سنت را روشی دانسته است که در جامعه از خصلت جاری بودن و از خصیصه جاری شدن برخوردار است و کلمه سنت، به معنای طریقه معمول و رایج است که اغلب و به طور دائم، جاری و ساری است. (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۲ / ۲۲۵) تفاوت اساسی بین سنن اسلامی و سایر سنن، تفاوت در هدف و غرض است. هدف اسلام این است که مردم را به مصلحت راهنمایی کند و هدف غیر اسلام آن است که آنها را به مطلوب دنیایی‌شان برساند. شهید مطهری با تقسیم‌بندی سنن جوامع به دو گروه اصلی چنین می‌نویسد:

سنت‌های اجتماعی موجود در یک ملت بر دو گونه‌اند: آنهایی که از معانی اخلاق و مجاهدات و مبارزات گذشته که از خصایص مقدس انسانی است و تلاش‌های او برای حاکم ساختن عدل و نیکی و خصلت‌ها، نشئت گرفته‌اند و آنها که از جهل و دنیاپرستی و روابط ظالمانه اجتماعی سرچشمه می‌گیرند. حاصل سنت‌های دسته اول، زنده ماندن و حرکت و شکوفایی ملت‌هاست و محصول دومی، عقب ماندن و انحطاط و تحمیق و اسارت مردم است در دست ارباب ثروت و حکومت. از آنجا که بنای هستی، عدالت و تقوا و ترقی و تکامل است، سنت‌های پسندیده انسانی عامل حیات و دوام و قوام‌بخش ملت‌ها می‌شود و سنت‌های ناپسند مایه انحطاط و مرگ و نیستی او. (مطهری، ۱۳۵۷: ۲۴)

اشاره به خصلت‌های سنت در فهم معنای آن مؤثر است. سنت فراتاریخی است و همه عصرها و زمان‌ها را در بر می‌گیرد. البته این بدان معنا نیست که نتوان بر پایه سنت برای هر عصر و زمانی طرحی نو ارائه کرد. سنت تعبدی است که در بستر زمان، معنا و مفهوم می‌یابد. آنچه پیامبر ﷺ انجام داد، هم در زمان حضورش و هم پس از آن قابلیت اجرا دارد. به هر روی، سنت حجیت می‌آورد. اگر سنت را مربوط به گذشته بدانیم، تنها اسم و رسمی از اسلام و قرآن می‌ماند و آنچه می‌ماند یافته‌های ذهنی بشر است نه احکام خداوند.

قرآن در مورد پیامبر می‌گوید: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا». (احزاب / ۲۱) تعبیر «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ» با حرف تحقیق «قد» و فعل ماضی «كان» بیانگر آن است که پیامبر ﷺ در گذشته و آینده، الگوست. (طباطبایی، ۱۳۶۲: ۱۶ / ۲۳۸) با توجه به مطلق بودن آیه و مقید نبودن آن به قول و فعل پیامبر ﷺ می‌توان الگو بودن آن حضرت را در قول و فعل و تقریر دانست. قاعده اشتراک در تکالیف به عنوان یک قاعده مشهور در فقه و اصول، مشترک بودن همه مسلمانان در هر عصر و مکانی را نشان می‌دهد. روایت صحیح منقول از امام جعفر صادق علیه السلام: «حلال محمد حلال الی یوم القامه و حرامه حرام الی یوم القیامه لا یکون غیره» و یا حدیث امام علی علیه السلام: «هیچ کس بدعتی را بنا نهد مگر آنکه سنتی را متروک ساخت»، (کلینی، ۱۳۸۸: ۵۸) همگی بر خصیصه استمرار سنت تأکید دارند.

اگرچه احکام شریعت همیشه ثابت است، ولی ثبات حکم، وابسته به ثبات موضوع است و در صورت از بین رفتن موضوع، حکم، نیز منتفی می‌شود. امام خمینی از این مسئله به تأثیر زمان و مکان در اجتهاد تعبیر کردند. البته اگر کسی مدعی تغییر موضوعات زمان رسول خدا ﷺ با موضوعات امروزی است، باید بتواند آن را اثبات کند که در این صورت باید به حکمی نو تن داد. آیا برابری شهادت دو زن با شهادت یک مرد و یا دو برابر بودن ارث مردان نسبت به زنان، تنها مربوط به دوره پیامبر ﷺ است؟ چرا امامان آن را با تغییر زمان و مکان، نفی نکردند؟ باید پذیرفت دین اسلام دین خاتم است و علم خدا در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها، بی‌پایان است. در مجموع، دو چیز را نباید در هم خلط کرد، یکی سنت و گستره آن و دیگری، تغییر موضوعات.

توحید، مدار مشترک و وحدت‌بخش همه علوم و حتی محور همه سنت‌های ماست. به همین دلیل، همه علوم و همه سنت‌ها از غایت یکسانی برخوردارند و بر پایه آن، خداوند در تمام لحظات حیات انسانی حضور دارد. توحید در این معنا، یعنی اینکه مبدأ همه چیز، خدای یگانه است؛ همه چیز از او، برای او و به سوی اوست. همه به او نیازمندند و او بی‌نیاز از غیر. همه چیز بر اساس خواست خداوند است و البته عالم سراسر فضل اوست. (اعوانی، ۱۳۷۲: ۱۲)

در واقع، «حوادث را نمی‌توان دو دسته کرد، دسته‌ای که فعل خداوند هستند و دسته‌ای که مستند به علل و عوامل طبیعی خاص خود است، بلکه همه حوادث در عین استناد به علل و عوامل خاص خود... فعل خداوندند». (شیروانی، ۱۳۸۴: ۱۲۹) تأکید بر آخرت و یاد مرگ، توجه به ذات نامستقل انسان، توصیه مستمر به توجه به خدا، پذیرش اثبات دائم تأثیر امداد غیبی بر انسان و جهان از مختصات اعتقاد توحیدی و سنت اسلامی است. آیا می‌توان در روند بومی‌سازی یا سنت‌سازی به تعبیر ما، چنین مفاهیمی را با علوم غربی متکی بر انسان‌مداری ترجمه و تلفیق کرد؟ آیا مختصات اعتقاد به توحید در توان و قابلیت علوم غربی هست؟ پاسخ‌ها منفی است. پس باید زندگی دوزیستی را رها کرد و به زیست محلی و خودی پیوست. سنت به این معنا نسبتی با مدرنیته ندارد. سنت و تجدد از دو جنس و از دو دستگاه مفهومی

متمایز هستند. مدرنیته را اولین بار ژان ژاک روسو^۱ در قرن هجدهم به کار برد و سپس در آثار بسیاری از اندیشمندان آن عصر و عصرهای بعدی، متداول شد. آنتونی گیدنز^۲ در تعریفی از مدرنیته گفته است:

مدرنیته به شیوه زندگی و تشکیلات و سازمان‌های اجتماعی اشاره دارد که از حوالی قرن هفدهم به این طرف در اروپا ظاهر شد و به تدریج، دامنه تأثیر آن کم و بیش در سایر نقاط جهان نیز، بسط یافت. (مجتهد شبستری، ۱۳۷۷: ۹)

بنا بر تعریف و توضیح مفاهیم مدرن، می‌توان گفت که مفاهیم مدرن به سده‌های اخیر تعلق دارند و از این رو، تنها تبلوری از تاریخ و فرهنگ جدیدند؛ از خاستگاه غربی برخوردارند و با فرهنگ شرق، نسبتی ندارند؛ بسیار جوان‌اند و به این دلیل، نمی‌توانند با گذشته ارتباط برقرار کنند؛ از وجه دمکراتیک، این‌دنیایی، پوزیتویستی، عرفی، تبیینی، سکولاریستی، عین‌گرایی، پرسشگری، نسبی‌اندیشی، کثرت‌گرایی، جزم‌شکنی، سیستم‌گریزی، ساختارشکنی، گفتمان‌های متکثر، ستیز با اصول، گریز از چارچوب‌ها، هیچ‌انگاری، چند صدایی، پارادایم‌سازی، الگوپردازی، مرکز‌گرایی، واقع‌گرایی، همانندسازی، پراکندگی حقیقت یا چندگانگی حقیقت، قهرمان‌ناسازی، عقل‌گرایی و علم‌گرایی و... (آشوری، ۱۳۷۹، ۴۳) بهره دارند و در نتیجه، در جوامع سنتی - سنت به معنای مقابل مدرنیته - مبتنی بر وجه ایدئولوژیک، ارزش‌مدار، اخلاقی، ذهن‌گرا و... هستند و در نهادینه‌سازی ارزش‌های خویش ناتوان می‌باشند.

همچنین، نمی‌توانند به رواج عمومی، سازگاری با محیط غیربومی و... دست یابند و به مدلول خود در این جوامع، دسترسی پیدا کنند، بلکه گاه واژگان سنتی، جای آنها را می‌گیرند و یا در مفهومی غیر از مفهوم اصلی (خاستگاه) خویش، به کار می‌روند. علت آن است که در نقش دیگری و ناخوانده قرار می‌گیرند و همان‌گونه که مجتهد شبستری گفته است: «ریشه مفاهیم مدرن در دین وجود ندارد». (فاضلی، ۱۳۸۸: ۱۹۲)

بیش از صد سال است که واژگان مدرن، در فرهنگ سیاسی ایرانیان وارد شده‌اند. مفاهیم

1. Jean Jacques Rousseau.
2. Anthony Giddens.

مدرن بدون وجود نظارت و ملاکی خاص و بدون وجود خواست و اراده ما، وارد مفاهیم موجود در سنت ایرانی - اسلامی شدند و وضعیت مفاهیم، به ویژه مفاهیم حوزه سیاست را آشفته کردند. جابری به دقت درباره این موضوع بحث کرده و گفته است:

به اعتقاد او، اگر مفاهیم سنتی و مدرن را تفکیک نکنیم، ابتدا دچار خلط روش‌شناختی و سپس دچار خلط معرفت‌شناختی و تاریخی می‌شویم. امت در زبان عربی و امت در اصطلاح قرآنی، دو چیز متفاوت است. اصطلاح نخست به معنای تخصصی‌اش، زاده مدرنیته است و با مفهوم دینی و قرآنی امت تفاوت دارد. به نظر وی، کسی که بین مفاهیم مدرن و سنتی تفکیک نمی‌کند، همانند کسی است که معنای جدید صاروخ (موشک) را با معنای لغوی و قدیمی‌اش، یعنی کثیر الصراخ (فریادگر)، یکسان می‌پندارد! آیا می‌توان گمان برد که امام خمینی علیه السلام به این اختلاف مفهومی بین مفاهیم جدید و قدیم توجه نکرده است؟! (الجابری، ۲۰۰۳: ۲۵)

نکته دیگر اینکه، تصور می‌شود پیشرفت و تمدن جدید مدیون مدرنیته است. سایر جوامع اگر می‌خواهند متمدن شوند، باید از این الگوی پدیدار شده در غرب تبعیت کنند، غافل از اینکه، تمدن و مدرنیته شدن حاصل تفکرات الحادی و مکاتب فلسفی شک‌گرایان غربی در دوران پس از رنسانس است. عامل توقف اروپا، مذهب تحریف‌شده و خرافی کلیسا و رویکرد به یک مذهب دنیاگرایانه یعنی پروتستان است که البته از مسیحیت اصیل دور است و دوری از این مذهب است که غرب را با پی‌آمدهای ناگوار مواجه کرده است. در حقیقت، مدرنیسم دو خصلت متضاد را در نهان خود می‌پروراند: از طرفی، دایره امنیت، اعتماد و خوشی را در سر دارد و تا حدودی در ارتباط با تأمین این خواسته‌های انسانی و طبیعی، موفق بوده است، اما از جانب دیگر، امواج مخاطره، اضطراب و تلخی را در دل می‌پروراند؛ درحالی که این سنت اصیل و مذهب حق است که می‌تواند آرامش واقعی را برای انسان به ارمغان بیاورد. آنچه نتیجه کاربست مفاهیم سیاسی از امام خمینی علیه السلام است و در قامت انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی متجلی شده است، آرامش و امنیت برای ایرانیان به ارمغان آورده است.

امام خمینی علیه السلام را بیش از آنکه دارای صبغه سنت‌گرایی مدرن از نوع گنون، شوون، بورک‌هات و نصر بدانیم، باید او را یک سنت‌گرا با گرایش به سنت مولد دانست و بیش از آنکه او را دارای رویکرد مدرن به سنت بدانیم، رویکردی سنتی به سنت داشته است که در آن، گرایش به اصالت دادن به سنت در صورت و سیرت است. در واقع، کاربست واژه‌های مدرن از سوی امام به معنای مدرن غربی نیست، بلکه بیرون کشیدن سنت از زیر خروارها خاک است و از این رو مدرن می‌نمایاند.

مرحله پنجم: آزمون و طرح مسائل جدید

همان‌گونه که پیش از این گفته شد، نظریه مبنایی یا گراند تئوری، چارچوب معینی برای آزمون ارائه نمی‌کند، بلکه محقق باید تأثیر نتایج کار خود را تشخیص دهد. نظریه سنت - سنت یا اصالت سنت در صورت و سیرت، امر تازه‌ای است که مبتنی بر ناکارآمدی صورت‌های مختلف ادغام‌سازی سنت و مدرنیسم در ۱۵۰ سال گذشته است. به علاوه، حاصل نتایجی است که روش گراند تئوری در این مبحث ارائه کرده است. آزمودن این نظریه نیازمند زمان در حیطه دو مقوله کاربست عملی و تست‌های نظری است. بخش‌هایی از تست‌های نظری و کاربست‌های عملی در کشورهای اسلامی به‌ویژه در جمهوری اسلامی آشکار شده است، ولی تجربیات اجرایی در جمهوری اسلامی که بر چارچوب‌های نظری تأثیر نهاده است، نشان از درستی نتایج این تحقیق در رویکرد سنتی به سنت دارد. رهبری انقلاب با درک این موضوع، ضمن تأکید بر ضرورت نظریه‌پردازی، در دیدار با برخی از دانش‌پژوهان قرآن، مبانی نظریه‌پردازی در این زمینه را گوشزد کرده است:

پژوهشگران با استفاده از مبانی قرآنی و همچنین استفاده از برخی از پیشرفت‌های علوم انسانی می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کنند، البته آن وقت می‌توانند از پیشرفت‌های دیگران، غربی‌ها و کسانی که در علوم انسانی پیشرفت داشتند، استفاده هم بکنند، لکن مبنا باید قرآنی باشد. (سخنرانی مقام معظم رهبری، ۱۳۸۹)

پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جست‌وجو کرد. (همان)

اما این نظریه چگونه تولید می‌شود؟ محسن امرائی عبدولی، از صاحب‌نظران دانش بومی سیاست، معتقد است: «علم بومی انسانی توسط فرد تولید می‌شود نه جمع». این سخن را نگارنده، چنین تفسیر می‌کند که بومی‌سازی، یک دانش انسانی است که توسط اندیشه واحد (امام خمینی و مقام معظم رهبری) روی می‌دهد، نه با تألیف اندیشه‌ها. (علیزاده، ۱۳۸۹)

نتیجه اینکه، اولاً: با وجود تلاش‌های امام خمینی علیه‌السلام که رویکرد به سنت را در مواجهه با مدرنیسم در صورت و سیرت نهادینه کرد، همچنین بر پایه تأکیدهای مکرر مقام معظم رهبری نیازمند روش‌های جدید مبتنی بر سنت در بومی‌سازی هستیم. ثانیاً: اندیشه بومی‌سازی به معنای سنت‌گرایی از فکر و اندیشه دو رهبر فرزانه انقلاب اسلامی به منصفه ظهور رسیده است. از این رو، اکنون وظیفه دیگران است که آن را با نگاه به سنت خودی، بسط دهند و عملیاتی کنند.

اما بومی‌سازی که نمایانگر تقابل یا تعامل سنت و مدرنیسم است، در همه ابعاد از جمله بومی‌سازی مفاهیم مدرن سیاسی هنوز کامل در ایران پذیرفته نشده است. دلیل آن، مخالفت اغلب متخصصان رشته‌های فنی و علوم پایه با آن است. این مخالفت به دلایلی همچون اخلال بومی‌سازی در تولید، ممانعت در استفاده از علوم جهانی، خصیصه بی‌مرزی علم و... صورت می‌گیرد و علم را پروژه‌های جهانی با قواعد جهان‌شمول (خصیصه فرازمانی و فرامکانی) می‌دانند. در عوض، بیشتر متخصصان علوم انسانی و حوزوی، بومی‌سازی را امری بدیهی می‌دانند و معتقدند علوم تجربی به دلیل برخورداری از خصیصه سکولار، برای جوامع شرقی، مفید نیست. (برزگر، ۱۳۸۹) بنابراین باید از بنیاد، طرحی نو در انداخت و بسته معرفتی و مجموعه دانش و علوم تجربی موجود وارداتی از مغرب‌زمین را به کنار نهاد. در این نگاه، بومی‌سازی، نوعی بیهوده‌کاری و نوعی اسباب‌بازی روشنفکری و نوعی تحجرم‌آبی است. (همان) البته، این دو دیدگاه در دو سوی افراطی و تفریطی بومی‌سازی قرار دارند که اولی سوژه، دنیا، اجتماعی و استقرارمحور و دومی ابژه، آخرت، فرهنگی و قیاسی‌مدار است. البته می‌توان آن گونه که دکتر برزگر گفته است، میان آن دو تحت عنوان بومی‌سازی ابژه‌ای و یا بومی‌سازی سوژه‌ای پل زد و در آن، بر وجوه مشترک علوم انسانی و طبیعی غرب و شرق

تأکید کرد و یا یک روش میانه را به استناد حدیث نبوی «اطلبوا العلم ولو بالصین» و «اعلم الناس من جمع علم الناس الی علمه» توجیه کرد. (همان) اما تاریخ نشان از تلفیق موفقیت‌آمیز منجر به پیشرفت علم پیشینی و پسینی ارائه نکرده است.

باید باور کرد همان‌گونه که امام خمینی علیه السلام نشان داد و ما را بدان دعوت کرد، ما می‌توانیم بر پایه میراث ایرانی - اسلامی به رویکرد سنتی به سنت، دست به عمل بزنیم و سنت را به مفهومی که عرضه کرده‌ایم بازتولید کنیم:

ما در زمینه علوم انسانی احتیاج به تحقیق و نوآوری داریم. مواد و مفاهیم اساسی هم که بر اساس آن می‌توان حقوق، اقتصاد، سیاست و سایر بخش‌های اساسی علوم انسانی را شکل داد و تولید فراوری کرد به معنای حقیقی کلمه در فرهنگ عریق و عمیق اسلامی ما وجود دارد که باید از آن استفاده کنیم. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۲)

به نظر نگارنده، عصر تقابل، تواضع و تعامل با مفاهیم مدرن سیاسی به سر آمده و ما اینک پس از گذشت سه دهه از انقلاب اسلامی دارای پتانسیل‌هایی شده‌ایم که می‌توانیم در مقام فرادستی نسبت به غرب حتی در برخی از زمینه‌های علمی به تولید مفاهیم سیاسی بر پایه سنت معطوف به معنویت پردازیم (خرمشاد، ۱۳۹۰) و این امر ما را در غلبه بر یکسان‌سازی بوم داخلی با غیر که بخشی از بومی‌سازی را متجلی می‌سازد، یاری می‌دهد. (خرمشاد و آدمی، ۱۳۸۸: ۱۸۷) اما ضرورت بومی‌سازی را نباید با اقدامات ضربتی، عجولانه و غیرمدرانه از بین برد. اولین گام در این راه، مبارزه با تفکری است که علوم انسانی به‌ویژه علوم اسلامی را تنها علمی درونی، معنوی و غیرکاربردی تلقی می‌کند. در واقع، ابتدا باید علوم انسانی جایگاه حقیقی خود را بیابد. چنانچه جایگاه اصلی خود را باز یابد، کاربردی می‌شود. وقتی علمی شأن و مقام درخور خویش را نداشته باشد، هرگز به کار نمی‌آید. این جایگاه در نتیجه تعمیق علوم انسانی حاصل می‌شود. وقتی علمی، علم شود، مسائل آن حل می‌شود. (اعوانی، ۱۳۷۲: ۱۲)

به بیان دیگر، تاریخ ایران نشان می‌دهد که بسیاری از علوم انسانی پایه‌ها و مایه‌های مستحکمی در فرهنگ گذشته ما دارد. در حال حاضر نیز، ما در بخشی از رشته‌های علوم

انسانی قرن‌ها جلوتر از دنیا هستیم؛ در ادبیات، تاریخ، فلسفه و هنر سابقه‌ای طولانی‌تر از غرب داریم. به علاوه، برخی از علوم انسانی اگرچه از غرب آمده و خمیرمایه‌های آن، عقلانیت و تجربه‌گرایی است، از تفکر و روح ایران اسلامی است. (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶) البته، ما برای جمع کردن، مدون‌سازی و منتظم نمودن در این راه، به تفکر عملی، تجربه علمی و نظریه‌دانشی نیاز داریم. این نظریه همان نگاه علمی است که باید درست کنیم.

باید به این نکته هم توجه داشته باشیم که تلفیق بین علوم انسانی غربی و اسلامی اگر به معنای جذب‌شدگی، دلباختگی و مغلوب‌گری و جزدگی نشود، مطلوب به نتیجه است. در واقع، گرفتن علم اگر به معنای قبول کردن بی‌چون‌وچرای آن نباشد و به درستی هر آنچه آنان گفتند نینجامد، خوب است؛ (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۴) ولی این امر کمتر اتفاق می‌افتد. این همانی است که دکتر محمدی بر آن تأکید ورزیده است:

ما بومی‌سازی نداریم، [ازیرا] دین ما یک دین جهان‌شمول است که برای همه آمده و حرف و نظریاتش برای بشریت است و برای همه چیز هم نظر داده است؛ بنابراین ما باید این را کشف بکنیم.

ما برای این کار [بومی‌سازی] ابتدا باید چارچوب فکری‌مان را تغییر دهیم، به مبانی اندیشه اسلامی برگردیم، به قرآن و احکام اسلام برگردیم و اگر چنین کاری را انجام بدهیم، آن موقع علوم سیاسی اسلامی معنا و مفهوم جدید می‌یابد. (محمدی، ۱۳۹۰: ۴۴)

این اقدام از سوی امام خمینی علیه السلام با درایت آغاز شد و توسط مقام معظم رهبری با بصیرت تداوم یافت و بر ماست که درستی آن را در قالب سنت مداوم و یا تداوم در سنت با رویکرد جدید نه مدرن به مفهوم غربی، دنبال کنیم.

منابع و مأخذ

۱. استراس، آنسلم و جولیت کوربین، ۱۳۸۷، *اصول روش تحقیق کیفی: نظریه‌مبنایی، رویه‌ها و شیوه‌ها*، ترجمه بیوک محمدی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲. استربرگ، کریستین جی، ۱۳۸۴، *روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی*، ترجمه احمد احمدپور و علی شماعی، یزد، دانشگاه یزد.

۳. آشوری، داریوش، ۱۳۷۹، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید.
۴. اعوانی، غلامرضا، ۱۳۷۲، «فرهنگ و تمدن اسلامی»، *نامه فرهنگ*، شماره ۱۲.
۵. امام خمینی، سید روح‌الله، ۱۳۶۱، *صحیفه نور*، ج ۱۸ - ۱، تهران، وزارت ارشاد اسلامی.
۶. _____، ۱۳۶۸، *ترجمه تحریر الوسیله*، ج ۲، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۷. _____، ۱۳۷۱، *کوشر*، ج ۱ و ۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی علیه السلام.
۸. _____، ۱۳۷۳، *ولایت فقیه*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۹. _____، ۱۳۷۸، *صحیفه امام*، ج ۴ - ۱، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. _____، *بی‌تا، کشف اسرار*، قم، انتشارات آزادی.
۱۱. امیری، مجتبی، ۱۳۸۲، «نظریه و نظریه‌پردازی در دانش مدیریت»، *مجله حوزه و دانشگاه*، شماره ۳۷.
۱۲. بامداد صوفی، جهانیار، شهباز مرادی، مجید سعیدفوسلیمی، ۱۳۸۷، «تحلیل محتوا با استفاده از نظریه بنیادین، رویکردی عملیاتی و نوین در روش تحقیق کیفی»، *فصلنامه مدیریت*، شماره ۸.
۱۳. برزگر، ابراهیم، ۱۳۸۸، «کاربرد رهیافت بومی‌سازی کتب درسی علوم انسانی با تأکید بر علوم سیاسی»، *مجله عیار*، شماره ۲۲.
۱۴. _____، ۱۳۹۰/۱۱/۴، «چیستی علم انسانی بومی»، *مندرج در: farabiaward.ir*
۱۵. _____، ۱۳۹۰، «مفهوم بومی‌سازی»، *مصاحبه نگارنده با دکتر برزگر*.
۱۶. _____، ۱۳۸۹، «رهیافت بومی‌سازی»، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، سال شانزدهم، شماره ۶۳.
۱۷. بروجردی، مهرزاد، ۱۳۷۸، *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرازی، تهران، فروزان.
۱۸. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های شیراز، ۱۳۸۷/۲/۱۴.
۱۹. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه امام جعفر صادق علیه السلام، ۱۳۸۴/۱۰/۹.

۲۰. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از اساتید، نخبگان و رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی کشور، ۸/۶/۱۳۸۹.
۲۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از استادان و دانشگاهیان کشور، ۸/۸/۱۳۸۲.
۲۲. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با نخبگان جوان، ۲۹/۱۰/۱۳۸۶.
۲۳. الجابری، محمدعابد، ۲۰۰۳، «مفاهیم الحقوق و العدل فی النصوص العربیه - الاسلامیه فی: حقوق الانسان فی الفكر العربی المعاصر، بیروت، مرکز دراسات الوحده العربیه».
۲۴. خرمشاد، محمدباقر و علی آدمی، ۱۳۸۸، «انقلاب اسلامی، انقلاب تمدن‌ساز، دانشگاه ایرانی و دانشگاه تمدن‌ساز»، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره دوم، شماره ۶.
۲۵. خرمشاد، محمدباقر، ۱۳۹۰/۳/۵، «اولویت با همگرایی است: گفتگوی خبرنگار اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا»، مندرج در: uisa.ir.
۲۶. دانایی فرد، حسین، ۱۳۸۴، «تئوری پردازی با استفاده از رویکرد استقرایی: استراتژی مفهوم‌سازی توری بنیادی»، مجله دانشور رفتار، شماره ۱۱.
۲۷. زارعی، عظیم، رضا احمدی کهنعلی و میلاد صفایی، ۱۳۸۷، «بررسی به کارگیری روش تحقیق مبتنی بر تئوری مفهوم‌سازی بنیادی در حوزه مطالعات کارآفرینی»، ماهنامه کار و جامعه، شماره ۹۹ و ۹۸.
۲۸. شیروانی، علی، ۱۳۸۴، «تجربه تفسیری و امام سجاد (علیه السلام)»، فصلنامه انجمن معارف اسلامی، سال اول، شماره ۱.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۲، تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۱۲ و ۱۶، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۳۰. عزیززاده، سالار، ۲/۹/۱۳۸۹، «نظریه استاد امرائی پیرامون بومی سازی علوم انسانی» مندرج در: aftabir.com.
۳۱. فاضلی، نعمت‌الله، ۱۳۸۸، «انسان‌شناسی مدرن در ایران معاصر: تاریخچه، تحولات، مسائل و چالش‌ها»، نسل آفتاب.
۳۲. _____، ۱۳۸۹، «گفتمان مسئله بومی: مسئله بومی‌سازی علوم اجتماعی از رویکرد مطالعات فرهنگی»، در: علم بومی، علم جهانی: امکان یا امتناع، تهران،

- انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تربیت معلم با همکاری انجمن جامعه‌شناسی ایران.
۳۳. فلیک، اووه، ۱۳۸۷، *درآمدی بر تحقیق کیفی*، ترجمه هادی جلیلی، تهران، نشر نی.
۳۴. فی، برایان، ۱۳۸۳، *پارادایم‌شناسی علوم انسانی*، ترجمه مرتضی مردیها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۳۵. کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۳۸۸، *الکافی*، ج ۱، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۶. مارشال، کاترین و راس من گرچن، ۱۳۷۷، *روش تحقیق کیفی*، ترجمه علی پارسیان و محمد اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۳۷. مجتهد شبستری، محمد، ۱۳۷۷/۱۱/۸، «دین و تجدد در ایران امروز»، *روزنامه همشهری*.
۳۸. محمدپور، احمد، ۱۳۸۹ الف، *روش در روش: درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*، تهران، انتشارات جامعه‌شناسان.
۳۹. محمدی، بیوک، ۱۳۸۷، *درآمدی بر روش تحقیق کیفی*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۰. محمدی، منوچهر، ۱۳۹۰، «علم بومی نداریم»، *مجله فرهنگ پویا*، شماره ۱۶.
۴۱. مطهری، مرتضی، ۱۳۵۷، *علل گرایش به مادی‌گری*، تهران، صدرا.
۴۲. منصوریان، یزدان، ۱۳۸۶، «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، *مجموعه مقالات همایش علم اطلاعات و جامعه اطلاعاتی دانشگاه اصفهان*.

